

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال هشتم، شماره ۳۲، تابستان ۱۳۹۵
صفحات: ۷۸-۵۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۲۰؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۴/۱۵

ارائه الگویی نوین برای سنجش دموکراسی با توجه به انتقادات وارد بر الگوهای موجود

دکتر بدری برندگی* / دکتر وحید قاسمی**

چکیده

سؤال اصلی در این مقاله این است که آیا می‌توان الگوی نوینی را برای سنجش دموکراسی ارائه داد. با توجه به ماهیت مساله مورد مطالعه، تشخیص داده شد که با روش توصیفی-تحلیلی، بهتر می‌توان به سؤالات تحقیق پاسخ گفت و از داده‌های متنوع‌تری اعم از کمی و کیفی در جهت انجام تحقیق استفاده کرد. بنابراین از روش اسنادی برای کسب اطلاعات، استفاده شد. الگوی نوین محققان از پشتوانه نظری برخوردار بوده و با توجه به روند ارائه الگوی سنجش از دیدگاه «مانک» و «ورکولین»، سه گام مفهوم سازی، سنجش و جمع نمره را پشت سر نهاده است. در قسمت مفهوم سازی و سنجش، محققان پنج شاخص را مورد استفاده قرار می‌دهند که عبارتند از انتخابات، مشارکت سیاسی، آزادی‌های سیاسی و مدنی، حاکمیت قانون و رفاه اقتصادی. در گام جمع نمره، محققان دو رویکرد داده محور و کارشناس محور را پیشنهاد می‌دهند که با توجه به نمره بارهای عاملی در رگرسیون چندگانه به دست می‌آید. نمرات نهایی دموکراسی در الگوی نوین محققان بر اساس قاعده مجموع وزنی به دست می‌آید.

کلید واژه‌ها

دموکراسی، سنجش دموکراسی، الگوی سنجش دموکراسی، شاخص، چارچوب سنجش.

* دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
** استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران v.ghasemi@ltr.ui.ac.ir

مقدمه

مفهوم دموکراسی، یکی از مباحث مهم و زیربنایی در سیاست تطبیقی و روابط بین‌الملل است که در علوم سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی به آن پرداخته شده است. دموکراسی که مفهومی کلیدی در تفکر سیاسی مدرن و علوم اجتماعی است، مساله‌ای مهم و مرکزی است که دانشمندان با استفاده از روش‌های کمی و کیفی به مطالعه آن اقدام کرده‌اند. دموکراسی از بنیادی‌ترین مفاهیم سیاسی، از مؤلفه‌های معرف عصر جدید و از ابتدایی‌ترین شاخص‌های اثباتی هر نظام سیاسی است. گرچه انتقاداتی به آن وارد می‌شود اما به‌عنوان الگویی مطلوب برای بخش وسیعی از مردم مدرن شناخته می‌شود. دموکراسی، مجال ابراز عقاید را برای شهروندان فراهم می‌کند، آزادی‌های گوناگونی به آن‌ها می‌دهد و حقوق شهروندان را رعایت می‌کند، از شهروندان در مقابل حاکمان مستبد حراست می‌کند، آن‌ها را از حقوق سیاسی اساسی برخوردار می‌سازد و فضای بازتر آزادی را مهیا می‌کند. شهروندان در یک دموکراسی، وسایل حفظ و ارتقاء مهمترین علایق شخصی شان را در اختیار دارند و می‌توانند در تصمیم‌گیری‌های پیرامون قوانین جامعه، مشارکت داشته باشند. آن‌ها از خودمختاری وسیع اخلاقی برخوردارند و از فرصت‌های استثنایی برای رشد شخصی استفاده می‌کنند.

امروزه دموکراسی رایج‌ترین نظام سیاسی است. دموکراسی مدرن در آغاز پدیده‌ای اروپایی و غربی بود اما در طی چندین قرن گذشته به تدریج در سرزمین‌های دیگر نیز گسترش یافت. البته امروزه نیز دموکراسی با همه پیشرفت‌هایی که داشته، نظامی عالم‌گیر نیست. نخستین نهادهای دموکراتیک در یونان و روم باستان پیدا شدند. همچنین نخستین اندیشه‌های فلسفی درباره دموکراسی از جانب فلاسفه آن سرزمین‌ها مطرح شد. دموکراسی یونانی، تجربه‌ای سیاسی بود که در سال‌های ۵۰۸ تا ۳۳۸ قبل از میلاد رخ نمود. آتن بزرگ‌ترین دولت شهر یونانی و نیرومندترین دولت شهر دموکراتیک در بین دولت‌های یونانی بود. گرچه نظام الیگارشسی نیز امکان تشکیل مجلس برای تصمیم‌گیری به امور سیاسی را فراهم می‌آورد اما مشارکت سیاسی در آن محدود به گروهی اندک از توانگران می‌شد. در مقابل، دموکراسی امکان مشارکت شمار گسترده‌ای از شهروندان در حیات سیاسی را فراهم می‌کرد (بشیریه، ۱۳۸۰: ۸۲).

به‌طور کلی، در هر علمی و برای شناخت هر پدیده اجتماعی، تعریف درست و دقیق و وجود معیارها و الگوهای مناسب برای سنجش آن، امری ضروری و تعیین‌کننده به نظر می‌رسد. در

مورد دموکراسی، دشوار بودن تعریف آن به دلیل گوناگونی مفاهیم تشکیل دهنده و تعبیر و تفسیرهای متنوع تا جایی پیش رفته است که کوهن (۱۳۷۳) اذعان می دارد که در نتیجه بی‌بند و باری لفظی، آشفتگی فکری و حتی اندکی فریبکاری عمدی، اصطلاح دموکراسی تا حد زیادی معنی خود را از دست داده است. این اصطلاح که در جهان سیاست تقریباً به هر چیز اطلاق می‌شود، به جایی رسیده است که دیگر تقریباً هیچ معنایی ندارد. گرچه تعبیر کوهن تا حدی غلو آمیز به نظر می‌رسد اما باید اعتراف کرد که با وجود اهمیت دموکراسی و کارکردهای آن، به جز چندکار کلی، هیچ گونه تحقیق قابل توجهی در زمینه سنجش و ابزارهای اندازه‌گیری دموکراسی در داخل کشور انجام نگرفته است. در تعدادی از جوامع، مؤسسات و سازمان‌هایی از قبیل کانون آزادی^۱، بولن^۲، ونهانن^۳، پولیتی^۴، پاکال^۵ با استفاده از شاخص‌هایی مشخص به سنجش و اندازه‌گیری دموکراسی در عمده کشورهای جهان می‌پردازند.

نویسندگان متن حاضر درصددند که ضمن شناخت دقیق الگوها و شاخص‌های سنجش دموکراسی و با به کار گیری نگاهی انتقادی با الهام از مطالعات و نظریاتی که در این زمینه پرداخته شده اند، نقاط ضعف و قوت شاخص‌ها و الگوهای موجود را مورد ارزیابی قرار داده و در نهایت، با طی گام‌های ساخت چارچوب‌های سنجش، تا حد امکان، الگویی نوین برای سنجش دموکراسی ارائه دهند.

۱. سنجش دموکراسی

حداقل از زمان ارسطو، دانشمندان درباره معنا، تعیین کننده‌ها و نتایج دموکراسی اندیشیده اند. کار کمی بر روی دموکراسی، تاریخچه کوتاهی دارد اما همین تلاش‌ها حدود نیم قرن است که گسترش یافته‌اند. علاقه به سنجش دموکراسی به میزان زیادی وجود دارد. به باور بولن (۲۰۰۹) چنین تلاش‌ها و علایقی ممکن است ستیز درباره معنا و سنجش دموکراسی لیبرال را به میزان زیادی حل کند. درباره سنجش تأثیر دولت بر روند دموکراسی، پژوهش‌های تجربی

-
1. Freedom House
 2. Bollen
 3. Vanhanan
 4. Polity
 5. PACL: Przeworski, Alvarez, Cheibub & Limongi

متعددی صورت گرفته است، از قبیل پژوهش فیتزگیبون^۱ در خصوص اندازه گیری میزان تحقق دموکراسی در کشورهای آمریکای لاتین، تلاش سیمور مارتین لیپست^۲ (۱۹۶۰) برای تمایز نظام‌های دموکراتیک از نظام‌های دیکتاتوری به کمک طبقه بندی دوگانه ای که بر قضاوت شخصی او متکی بود، اقدام فیلیپ کات رایت^۳ (۱۹۶۳) در زمینه بهبود روش اندازه گیری مردم سالاری از طریق تدوین شاخصی برای توسعه سیاسی در قالب یک متغیر پیوسته و کوشش‌های افراد دیگری چون مایکل کوپیچ^۴، ریموند دی. گاستیل^۵ و ساموئل هانتینگتون (بولن، ۱۹۸۹: ۶۱۲؛ توحیدفام، ۱۳۸۱: ۸).

با سنجش شاخص‌های پیشرفت دموکراسی، می‌توان به بررسی فرآیند دموکراتیزاسیون پرداخت. تعیین میزان گسترش دموکراسی بر حسب شاخص‌های متفاوت و از چشم اندازه‌های مختلفی صورت پذیرفته است. تلاش‌های منظم ولی اندکی برای سنجش میزان دموکراسی شده است. در زمینه چگونگی سنجش دموکراسی و تعاریف دموکراسی، هیچ گونه وفاقی وجود ندارد و بحثی مداوم بر روی این موضوع، جریان دارد. به عقیده باس^۶ (۲۰۰۵)، دانشمندان اجتماعی، دامنه ای از رویکردها را برای سنجش درجه‌ای که دولت‌های مدرن، دموکراتیک هستند، طراحی کرده‌اند. گرچه فرهنگ‌های لغت، عموماً دموکراسی را به صورت بسیار ساده و به‌عنوان «حکومت به وسیله مردم» تعریف می‌کنند، اما این تعریف بسیار مبهم و سر بسته است و نمی‌توان از آن به‌عنوان یک سنجه عملیاتی استفاده کرد. شومپیتر (۱۹۴۳)، از پیشگامان رویکرد رویه‌ای در جریان اجرای سنجش دموکراسی است. او دموکراسی را به عنوان مجموعه‌ای از نهادهای سیاسی و رویه‌ای مجزا از مؤلفه‌های آرمانی دموکراسی می‌بیند. بعدها دانشمندان اجتماعی از استانداردهای رویه‌ای شومپیتر با افزودن معیارهای الحاقی برای تعریف و سنجش دموکراسی سیاسی استفاده کردند.

پمستین^۷ و همکاران (۲۰۰۸: ۱) دموکراسی را یک مفهوم اساسی سیاسی می‌دانند که هنوز هم در ساخت بسیاری از جوامع اجتماعی مشاهده نمی‌شود و مشکلی جدی در سنجش و

1. R. Fitzgibbon
2. S.M. Lipset
3. P. Cut Right
4. M. Coppedge
5. R.D. Gastil
6. Bass
7. Pemstein

تحلیل کمی آن وجود دارد. باس مطرح می‌کند که برای سنجش درجه‌ای که دولت‌های مدرن، دموکراتیک هستند، بیشتر دانشمندان اجتماعی اخیراً از بعضی سنجه‌های رویه‌ای متمرکز بر نهادها و اعمال دموکراتیک دولت، استفاده می‌کنند. بعضی از محققان، متناوباً شروع به توسعه سنجه‌های دموکراسی کرده‌اند که نقشی را که جامعه مدنی، فرهنگ و عوامل اجتماعی-اقتصادی در خلق دموکراسی ذاتی ایفا می‌کند و تأثیر کیفیت دموکراسی در جوامع مدرن را بیشتر گزارش می‌دهند. دانشمندان اجتماعی، دامنه‌ای از رویکردها را برای سنجش درجه‌ای که دولت‌های مدرن، دموکراتیک هستند، طراحی و اجرا کرده‌اند (باس، ۲۰۰۵: ۲-۱).

دال این گونه مطرح می‌نماید که نتیجه‌گیری در مورد این که یک کشور دموکراتیک است، بدین معنا که دارای نهادهای سیاسی دموکراتیک فراگیر می‌باشد، لاقبل مستلزم دانستن دو چیز است: اول این که آیا این نهادها عملاً در کشور وجود دارند یا نه؟ و دوم این که بالاتر از آستانه یا حدی قرار دارند که پایین تر از آن را ما غیر دموکراتیک می‌دانیم. در سال‌های اخیر، بسیاری از پژوهندگان و سازمان‌های تحقیقاتی تلاش کرده‌اند در مورد کشورهایی که ملاک‌های دموکراتیک را به نحوی رضایت بخش برآورده می‌سازند یا نمی‌سازند، به احکامی نسبتاً مستدل برسند. برای انجام این کار، غالباً ملاک‌هایی مشابه و نه یکسان را به کار برده‌اند. خوشبختانه نتایج حاصله با هم همخوانی دارند، گرچه ترسیم حد و مرز میان دموکراتیک و غیر دموکراتیک تا حدودی دلبخواهی انجام گرفته است (دال، ۱۳۷۸: ۲۴۹).

در نهایت می‌توان گفت، سال‌هاست که در زمینه دموکراسی سخن بسیار گفته شده است ولی در زمینه سنجش آن، اقدام چندانی صورت نگرفته است. در سال‌های اخیر، مطالعاتی تجربی در این زمینه تلاش کرده‌اند تا متغیر پنهان دموکراسی را عملیاتی سازند و شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی را برای آن تعریف نمایند. در این مقاله، درصددیم بدانیم که دموکراسی چگونه مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. در جدول (۱) الگوهای موجود برای سنجش دموکراسی را بر اساس میزان عمومیت و شناخته شده تر بودنشان، به همراه گستره مکانی و بازه زمانی و نیز شاخص‌های مورد استفاده آن‌ها نشان می‌دهیم.

جدول (۱). مجموعه داده‌های موجود سنجش دموکراسی

نام	کشورها	سال	شاخص‌ها
کانون آزادی (۲۰۰۸)	همه جهان	۱۹۵۵ تا کنون	حقوق سیاسی، آزادی‌های مدنی
پولیتی (مارشال و همکاران، ۲۰۰۲)	۱۵۷	۱۹۹۸ - ۱۸۰۰	رقابتی بودن تشکیلات قوه مجریه، باز بودن تشکیلات قوه مجریه، قید و بندها بر قوه مجریه، رقابتی بودن مشارکت سیاسی
الگوی پلبارشی دال (هلد، ۱۳۶۹: ۴۲۱ - ۴۲۰ و دال، ۱۳۷۸: ۴۹ - ۴۸)			آرای برابر، مشارکت مؤثر، ادراک روشن بینانه، کنترل نهایی برنامه کار توسط مردم، میزان شمول
آوارز، چیباب، لیمونگی و پرزوسکی (بویکس و استاکس، ۲۰۰۳؛ شافر، ۱۹۹۸؛ پرزوسکی و لیمونگی، ۱۹۹۳: ۵۸؛ ال بدوی و مکدیسی، ۲۰۰۷: ۸۱۷؛ برینتال، ۲۰۰۱: ۱۲۱؛ هاستنلر، ۲۰۰۸: ۱۶۳)	۱۴۱	۱۹۹۰ - ۱۹۵۰	انتخابات‌های قوه مقننه و مجریه، رقابت احزاب
بولن (شاندر، نوبلز، لندن و ویلیامسون، ۲۰۰۴؛ بولن، ۱۹۹۰: ۴؛ بولن، ۲۰۰۹: ۳۷۰ - ۳۶۹)	۱۱۳ ۱۲۳ ۱۵۳	۱۹۶۰ ۱۹۶۵ ۱۹۸۰	آزادی سیاسی، حاکمیت دموکراتیک
شاخص تغییر رژیم سیاسی گاسیروسکی (شهبازی، ۱۳۸۰: ۴۷ - ۴۶)	۹۷	۱۹۹۲	رقابت گسترده، مشارکت سیاسی، آزادی‌های مدنی و سیاسی
هاندیوس (ویور، ۱۹۹۴: ۷۷۸؛ هاندیوس و تنورل، ۲۰۰۷: ۱۴۶ - ۱۴۳)	۱۳۲	۱۹۸۸	انتخابات‌ها، آزادی‌های سیاسی
ونهانن (آرات، ۱۹۹۹؛ چودھاری، ۲۰۰۴: ۹۴؛ ورلند، ۲۰۰۸: ۱۲؛ شهبازی، ۱۳۸۰: ۴۸؛ ونهانن، ۲۰۰۰)	۱۱۹ ۱۴۷ ۱۷۲	۱۸۵۰ - ۱۹۷۹ ۱۹۸۰ - ۱۹۸۸ ۱۹۹۱ - ۱۹۹۳	رقابت، مشارکت سیاسی
آرات (شهبازی، ۱۳۸۰)	۱۵۲	۱۹۸۲ - ۱۹۴۸	ماهیت مشارکت سیاسی، رقابتی بودن نظام حزبی، فراگیر بودن فرآیند سیاسی، حفاظت از آزادی‌های مدنی
الگوی هوشمندی اقتصاددان ککیس (ککیس، ۲۰۰۷)			فرآیند انتخاباتی و تکرر گرایی، آزادی‌های مدنی، عملکرد دولت، مشارکت سیاسی و فرهنگ سیاسی
شاخص گشایش دموکراسی مولر (مولر، ۱۹۸۸)			قوه مجریه باید انتخابی و مسؤول باشد، حداقل در دو انتخابات آزاد و منصفانه و رقابتی انتخاب شود، حداقل در میان اکثریتی از جمعیت که حق رأی دارند، انتخاب شود، حقوق آزادی بیان و اجتماع مورد احترام باشد.
شاخص پلبارشی کوپچ و رینیک (شهبازی، ۱۳۸۰)	۱۷۰	۱۹۸۵	انتخابات عادلانه، آزادی بیان، وجود منابع جایگزین اطلاعات، آزادی سازمان‌ها و احزاب.
الگوی دیکتاتور - دموکراسی (DD) چیباب و همکارانش (چیباب و همکارانش، ۲۰۱۰)	۱۹۹	۱۹۴۶	کارگزاران اداری، رقابت

منبع: (برندگی، ۱۳۸۹: ۶۹)

۱-۱. ارزیابی نظری شاخص‌های سنجش دموکراسی

برای سنجش دموکراسی، از شاخص‌ها و ابعاد و مؤلفه‌هایی استفاده می‌شود که در هر مورد دیدگاه‌هایی مثبت و منفی وجود دارد. به‌طور کلی، شاخص‌های سنجش دموکراسی به دو دسته شاخص‌های عینی^۱ و ذهنی^۲ تقسیم می‌شوند. در دوران اولیه گسترش علم سیاست نوین، اغلب ملاک‌های به کار گرفته، ذهنی بودند. به این معنی که نویسندگان برخی ویژگی‌های کلی (مثل آزادی مطبوعات، اهمیت پارلمان، رابطه قوا) را به‌عنوان شاخص‌های دموکراسی به کار می‌گرفتند و میزان دموکراتیزه بودن رژیم‌ها بر این اساس مشخص می‌شد (بشپیری، ۱۳۸۰: ۲۱۱). به عقیده باس (۲۰۰۵) شاخص‌های ذهنی دموکراسی عموماً متکی بر ارزیابی‌های بیرونی هستند، برای این که تعیین کنند که چه پهنه‌ای از انتخابات‌های موجود، آزاد و منصفانه‌اند و آیا قوانین مدافع حقوق سیاسی و آزادی‌های فردی اجرا می‌شود.

از اواسط قرن بیستم به بعد، تأکید بیشتری بر شاخص‌های عینی مانند میزان شرکت مردم در انتخابات، میزان رقابت ایدئولوژیک، ترکیب حزبی پارلمان، میزان انتخابی بودن حکام سیاسی گذاشته شد و طبق نظر دال و همکارانش (۲۰۰۳) براساس استفاده از انتخابات و حمایت مردمی شامل مشارکت، رقابت، حاکمیت عوام و دسترسی به اطلاعات شکل گرفت. استفاده از شاخص‌های عینی، دموکراسی سنجی را تسهیل می‌کند ولی امکان سنجش درست را به ما نمی‌دهد چرا که ممکن است حکومت در آمار و ارقام مربوط به انتخابات دخالت کند. به‌طور کلی، سنجش دقیق تر دموکراسی با بهره‌گیری همزمان از شاخص‌ها و ملاک‌های عینی و ذهنی میسر خواهد شد. ملاک‌ها و معیارهای عینی برای ارزیابی دموکراسی، از سوی پژوهندگان به راحتی قابل اعاده است و اغلب از درجه بندی واضح و دقیقی برخوردار می‌باشد (شهبازی: ۱۳۸۰: ۴۱). به نظر باس (۲۰۰۵) شاخص‌های عینی دموکراسی، شامل شاخص‌هایی است مثل این که آیا انتخابات برای رئیس قوه مجریه و قوه مقننه وجود دارد؟ آیا تفکیک قوا تضمین شده است و آیا قوانین که حقوق فردی را تامین کند، وجود دارد؟ در جدول شماره (۲) به ارزیابی شاخص‌های دموکراسی به لحاظ نظری خواهیم پرداخت. در این ارزیابی، نقاط قوت و ضعف تعدادی از شاخص‌ها مطرح شده است.

1. Objective Indicators of Democracy
2. Subjective Indicators of Democracy

جدول شماره (۲): ارزیابی نظری شاخص‌های دموکراسی

شاخص‌ها	دیدگاه‌های مثبت	دیدگاه‌های منفی
انتخابات	گسترش توهم برابری و مساوات (تافلر، ۱۳۷۰) بازگرداندن اعتماد به مردم (تافلر، ۱۳۷۰) مظهر حضور مردم (دال، ۱۳۷۸) مکانیسم اصلی در مدرن‌ترین سیاست‌های دموکراتیک برای جمع‌آوری اولویت‌های شهروندان (میگان، ۲۰۰۱)	نوعی حيله و نیرنگ (ارسطو) تبدیل شدن افراد به خمیری بی شکل (ژان پل سارتر) سرقت مسلحانه حقوق مردم (سرژ کریستف کلم) انتخابات نمی‌تواند شاخص دموکراسی باشد چرا که در بسیاری از کشورهای غیردموکراتیک نیز وجود دارد (میگان، ۲۰۰۱)
مشارکت سیاسی	تقویت احساس کنترل و شأن در شهروندان بالا بردن تعهد شهروندان به حکومت و نظام سیاسی بزرگتر خواسته‌های آگاهانه تر، واقع بینانه تر و تساهل بیشتر شهروندان تقویت مشروعیت جلوه گر آزادی و دفاع در مقابل حکومت خودسر و مهاجم افزایش احساس برابری راهنمایی برای کارایی در حل مسائل و مشکلات و مدیریت امور عمومی (دولتی) (نلسون، ۱۳۷۹)	مانعی برای توسعه دموکراتیک حرکت به سوی انواعی از نظام‌های سیاسی مدرن مبتنی بر بسیج توده ای (شهبازی، ۱۳۸۰) ایجاب سرخوردگی و بی ثباتی (نلسون، ۱۳۷۹) ایجاد محدودیت‌های ساختاری در پهنآوری دموکراسی عدم مشارکت به علت کوتاهی، فشار اجتماعی و یا آگاهانه (کوهن، ۱۳۷۳)
حاکمیت مردمی	تلفیق کارایی و حمایت (کوهن، ۱۳۷۳) اراده عمومی که توافق اکثریت افراد معقول جامعه است، عیناً مترادف با خیر، رفاه و خرسندی عمومی است (شومپیتر، ۱۳۵۴).	«اراده عمومی» یک محصول اجتماعی است که چندان مبنای عقلانی یا مستقلی ندارد (شومپیتر، ۱۳۵۴).
آزادی بیان	وجه ممیزه انسان از دیگر جانداران شنیده شدن صدای همه اعم از موافق و مخالف بالا رفتن میزان مشارکت و محافظت از دموکراسی مبارزه با آیین‌های جزمی که اذهان را متحجر می‌سازند رشد افکار بزرگ و تازه (کوهن، ۱۳۷۳؛ دال، ۱۳۷۸)	گسترش افکار مسموم در جامعه رعایت نشدن آزادی بیان در جوامع مدعی حقوق بشر ورود به محدوده‌های ممنوع و خطوط قرمز تراکم این نارضایتی‌ها و محکومیت حکومت در سطح افکار عمومی (سروش، ۱۳۸۲)

۱-۲. ارزیابی روشی الگوهای سنجش دموکراسی

تاکنون مطالعات گسترده‌ای در زمینه سنجش دموکراسی انجام شده است. غیرممکن است که بتوانیم رفتار برآوردگرها را بدون عملیاتی‌سازی مفهوم دموکراسی توصیف کنیم. به همین دلیل، در این مقاله، بحثی را در زمینه متون سنجش دموکراتیک به‌طور عملی ارائه می‌کنیم. برای این امر، هر شاخص دموکراسی را به‌عنوان یک متغیر پنهان یا مشاهده نشده در نظر می‌گیریم. به نظر قاسمی (۱۳۸۹)، متغیر پنهان، متغیری است که به‌طور مستقیم، مورد اندازه‌گیری قرار نمی‌گیرد بلکه با استفاده از دو یا تعداد بیشتری از متغیرهای مشاهده شده در نقش معرف سنجش می‌شود. متغیرهای اجتماعی و سیاسی اغلب به سازه‌هایی بر می‌گردد که نمی‌توانند به‌طور مستقیم مشاهده شوند مثل عدالت، احزاب سیاسی، توانایی‌های کمی، زبانی و تحلیلی در مدارس و... در هر نمونه، داده‌های در دسترس بیانگر برآوردهای پنهان هستند. در علوم اجتماعی، ما اغلب از برآوردهایی استفاده می‌کنیم تا بعضی از سازه‌ها را بسنجیم که به‌طور مستقیم نمی‌توانند مشاهده شوند. پولیتی، پلیارشی و کانون آزادی سه برآوردگری هستند که دموکراسی را به‌عنوان متغیر پنهان می‌سنجند. بولن (۱۹۹۳) مطرح می‌کند که سنجش‌های دموکراسی به میزان زیادی در کارهای تجربی بر روی صلح دموکراتیک و توسعه اقتصادی استفاده می‌شود.

هم تحقیق کمی و هم تحقیق کیفی دموکراسی به‌طور مجزا دارای مسائل و مشکلاتی است. همان‌طور که مانک^۱ و وركولین^۲ (۲۰۰۰) اشاره می‌کنند، اگرچه محققان کیفی زمان زیادی را در باز نمودن نواحی جدید تحقیق، صرف می‌کنند اما در آزمون سیستماتیک تعمیم‌پذیری ایده‌هایشان با محدودیت‌ها و موانعی رو به رو هستند. در طرف دیگر، اگرچه محققان کمی درصددند تا تعمیم‌پذیری نظریه‌های گوناگون را در راه‌های سیستماتیک معین کنند، آن‌ها قادر به آزمون بعضی از نظریه‌های بسیار سخت و پیچیده تولید شده توسط دانشمندان کیفی نمی‌شوند.

بنابراین هم محققین کمی و هم محققین کیفی در مطالعه دموکراسی و در بحث روش‌شناسی با مشکلاتی رو به رو می‌شوند. گاهی این مشکلات بسیار جدی است و الگوهای سنجش دموکراسی و اعتبار آن‌ها را تهدید می‌کند. در جدول (۳) انتقادات روشی که به الگوهای موجود سنجش دموکراسی وارد شده است، مطرح شده است.

1. Munck
2. Verkuilen

جدول (۳): انتقادات روش شناختی الگوهای موجود سنجش دموکراسی

نقاط ضعف	نقاط قوت	الگوی دموکراسی
فروتعریفی ^۱ : غفلت از ابعاد مشارکت و زمینه کارگزار	تعریف ابعاد: سازمان منطقی مفهوم انتخاب مناسب برآوردگرها قواعد کدگذاری واضح و جزئی	پاسل (۱۹۹۶)
بد تعریفی ^۲ : خطای تلفیق	تعریف ابعاد: ادارات و زمینه کارگزار	آرات (۱۹۹۱)
فروتعریفی: غفلت از بعد مشارکت بد تعریفی: خطای تلفیق قلمرو تجربی محدود (موقتی)	تعریف ابعاد: ادارات، زمینه کارگزار و منصفانه بودن	بولن (۱۹۸۰)
فرو تعریفی: غفلت از ابعاد مشارکت، ادارات و زمینه کارگزار (قلمرو تجربی محدود (موقتی))	تعریف ابعاد: منصفانه بودن آزمون قابلیت اعتماد درون کدگذاری رویه تراکم مشکوک	کوپیچ و رینیک (۱۹۸۸ و ۱۹۹۱)
فرا تعریفی ^۳ بدتعریفی: خطای تلفیق مشکلات چندگانه سنجش رویه تراکم نامناسب	قلمرو تجربی جامع (فضایی و فاصله‌ای)	کانون آزادی (۱۹۹۴)
فرو تعریفی: غفلت از ابعاد زمینه ادارات و کارگزار مشکلات چندگانه سنجش	قلمرو تجربی جامع	گاسیروسکی (۱۹۹۶)
بد تعریفی: خطای تکرار بی مورد و تلفیق قلمرو تجربی محدود (زودگذر)	تعریف ابعاد: زمینه ادارات، کارگزار و منصفانه بودن انتخاب مناسب برآوردگرها قواعد کدگذاری واضح و جزئی رویه تراکم مشکوک	هادنیوس (۱۹۹۲)
فرو تعریفی: غفلت از بعد مشارکت بد تعریفی: خطای تکرار بی مورد رویه تراکم نامناسب	تعریف ابعاد زمینه ادارات و کارگزار قلمرو تجربی جامع	پولیتی (۱۹۹۱)
فرو تعریفی: غفلت از ابعاد زمینه ادارات و کارگزار برآوردگرهای مساله دار رویه تراکم نامناسب	قواعد کد گذاری واضح قلمرو تجربی جامع	ونهانن (۱۹۹۷)

منبع: (مانک و ورکولین، ۲۰۰۰: ۳۹)

1. Under specification (تمایل به شمول بسیار کم و تعاریف حداقل گرا)
2. Misspecification
3. Over Specification (تمایل به شمول بیش از حد و تعاریف حداکثرگرا)

۲. روش تحقیق

اگر معتقد به نسبی بودن دموکراسی باشیم و روند آن را تک خطی ندانیم، آن گاه می توان گفت که هیچ الگویی از دموکراسی که برای همه کشورهای مستقل «بهترین» باشد، وجود ندارد. مزایا و معایب نسبی یک الگوی دموکراتیک تنها با تاریخ سیاسی آن کشور، تنوع فرهنگی، تقسیمات نژادی و شیوه اجتماعی - اقتصادی زندگی در آن کشور قابل تعیین است. چسبیدن به یک سنجۀ دموکراسی، حتی سنجۀ قوی با یک ارزیابی نسبتاً قابل اعتماد، این فرصت را از ما دریغ می دارد تا مجموع کار دانشمندان دموکراتیک و رویکردهای متفاوت عملیاتی سازی مفهوم را تعیین کنیم. بنابراین ساخت و ارائه الگوی نوین، امری دشوار است، چرا که در نظر گرفتن تمام جنبه های جوامع به طور مجزا امکان ناپذیر می باشد. با این حال محققان در حد امکان در این جهت تلاش خواهند نمود.

تلاش های اخیر برای سنجش مفاهیم مرتبط با فرآیندهای سیاسی با چالش مفهومی مهمی روبرو است. با رشد دامنه مفاهیم استفاده شده توسط محققان و سیاستگذاران علاقه مند در فهم فرآیند سیاسی، آن ها برای یافتن سنجۀ مناسب تلاش کرده اند. اما از آنجا که مفاهیمی که سنجیده می شوند، به طور سیستماتیک تعریف نمی شوند، سنجۀ های این مفاهیم به طور مکرری با یک مسأله کلیدی دست به گریبانند. برآوردگرهایی که با مفهومی مرتبطند که به عنوان سنجۀ ها استفاده می شوند و شاخص هایی که به وسیله برآوردگرهای ترکیبی ساخته می شوند، احتمالاً به عنوان بهترین سنجۀ های مفاهیم متفاوت دیده شده اند. در این مقاله، پس از مرور جامع ادبیات و مقایسه مدل های ارائه شده برای سنجش دموکراسی، با بهره گیری از چارچوب های سنجش، مدل جدیدی را توسعه داده ایم. در ادامه در زمینه گام های طی شده در ساخت الگوی نوین سنجش توضیح خواهیم داد.

۳. نحوه ساخت الگوی جدید جهت سنجش دموکراسی

در چارچوب جامعی که توسط مانک و ورکولین (۲۰۰۰)، ارائه شده است، در سراسر فرآیند تولید داده، سه گام به طور مداوم طی می شوند: چالش های مفهوم سازی^۱، سنجش^۲ و جمع

1. Conceptualization

2. Measurement

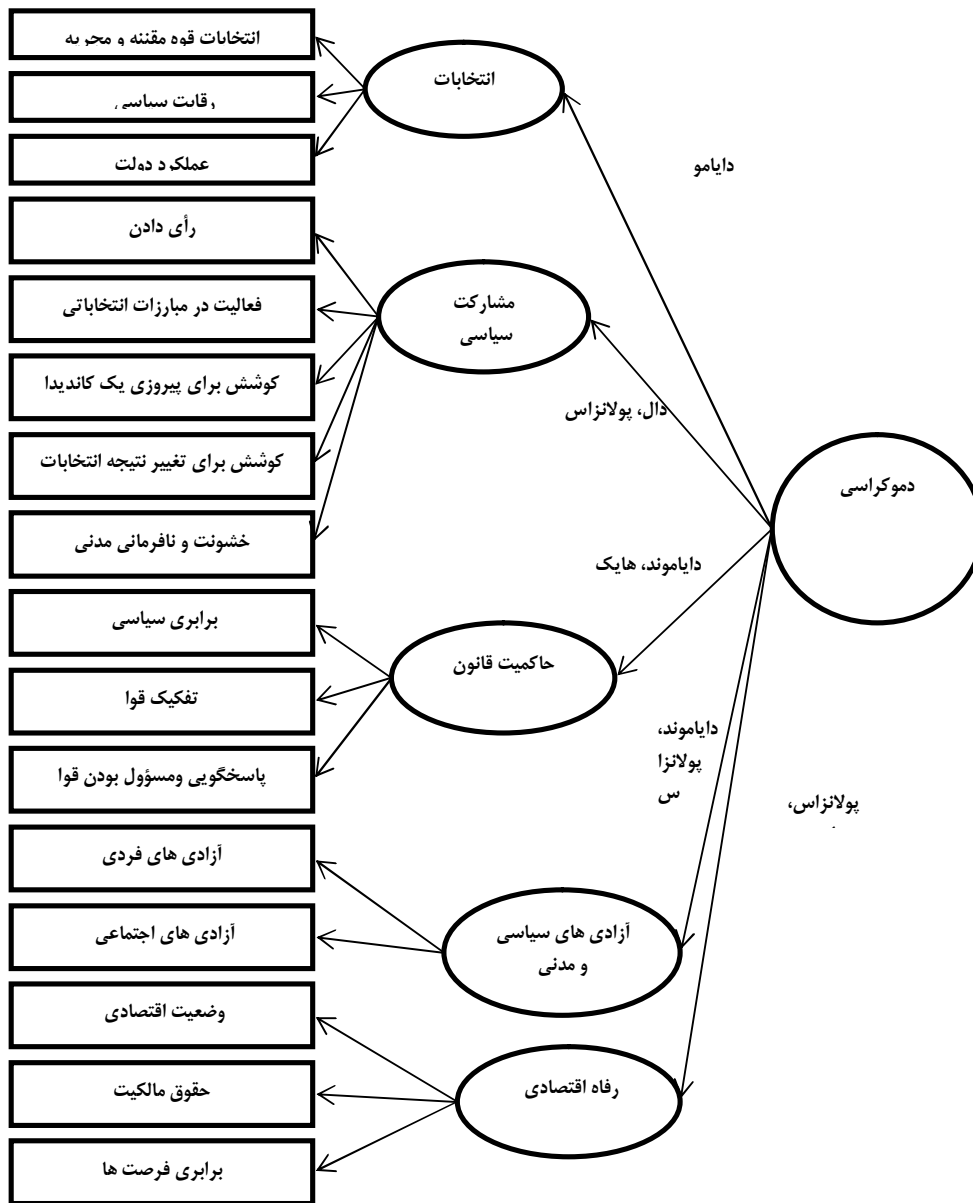
نمره^۱. بطور متناوب در هر گام، وظایفی خاص که متمرکز بر انتخاب‌های واقعی پیش روی تحلیلگر است، تعریف می‌شوند و استانداردهای خاص ارزیابی که وابسته به هر وظیفه هستند، نیز پیشنهاد می‌شوند.

وظیفه اولیه در ساخت یک مجموعه داده، تعریف ابعادی است که سازنده یک مفهوم هستند. این امر، تصمیم مهمی در کل فرآیند تولید داده است. قاعده محکمی برای تعریف مفهومی ابعاد وجود ندارد. در ضمن، همان‌طور که لوئیس گاتمن^۲ (۱۹۹۴) بحث می‌کند، از آنجا که هیچ نقطه مشخصی پیرامون یک تعریف درست وجود ندارد، بنابر این تعاریف باید بر حسب روابط شان با نظریه و داده‌ها ارزیابی شوند. این بدان معنی است که راهنمایی مناسب، متمرکز بر بحثی پیرامون چیزی است که ممکن است در تعریف، شامل شود یا آنچه که ممکن است از تعریف مفهومی کنار گذاشته شود. این امر، حکم انعطاف‌پذیری است که تعادلی بین تمایل به شمول بیش از حد و در مقابل، تمایل به شمول بسیار کم را در بر می‌گیرد، به عبارت دیگر، تا زمینه‌ای میانه بین تعاریف حداکثر گرا و حداقل گرا بیابد. ماورای گام اولیه تعریف این که کدام ابعاد به نظر، سازنده یک مفهوم می‌رسد، تحلیل گر باید مورد ملاحظه قرار دهد که چگونه این ابعاد با یکدیگر و تحت عنوان سازمان منطقی ابعاد مرتبط می‌شوند.

گام دوم در تحلیل یک مفهوم، سنجش است که مرتبط با ابعاد نظریه ای تعریف شده و به طور منطقی سازمان یافته در طول گام‌های قبلی با مشاهدات است. بولن^۳ (۱۹۸۹) مطرح می‌کند که ضروری است که مدل‌های اندازه‌گیری مرتبط با «متغیرهای پنهان» مشاهده‌ناپذیر را به «متغیرها یا شاخص‌های مشاهده‌پذیر» تغییر شکل دهیم. مانک و ورکولین (۲۰۰۰) معتقدند که انتخاب برآوردگرها (شاخص‌ها)^۴ که ابعاد یک مفهوم را عملیاتی می‌سازد، اولین تصمیم در شکل دهی سنجه‌هاست و بنابراین، تصمیمی است که تأثیر زیادی بر کل فرآیند سنجش دارد. به علاوه، از آنجا که قواعد استواری برای انتخاب مؤلفه‌های معتبر وجود ندارد، مسأله تشخیص ابعاد و مؤلفه‌ها بسیار اهمیت دارد.

-
1. Aggregation
 2. Guttman, Louis
 3. Bollen
 4. Indicator

ارائه الگویی نوین برای سنجش دموکراسی با توجه به انتقادات ...



شکل (۱): ساختار منطقی مفاهیم برای مفهوم سازی دموکراسی

بنابراین با توجه به استانداردهای ارزیابی چارچوب سنجش در گام مفهوم‌سازی، شاخص‌های سنجش دموکراسی در شکل (۱) ترسیم شده است. همچنین برای هر یک از شاخص‌ها، ابعادی را هم تعیین نمودیم تا متغیرهای پنهان، به متغیرهایی مشاهده پذیر تبدیل شود. همان‌طور که مطرح گردید، در مفهوم‌سازی، توجه به رابطه داده و نظریه از اهمیت بسزایی برخوردار است. بنابراین در جدول (۴)، دلیل نظری و روشی انتخاب ابعاد را توضیح خواهیم داد.

جدول (۴): دلایل منطقی و نظری انتخاب شاخص‌ها برای مفهوم‌سازی دموکراسی

شاخص‌ها (ابعاد)	دلیل منطقی و نظری انتخاب شاخص	الگوهای موجود استفاده کننده
انتخابات	یکی از شاخص‌های اصلی مورد نظر دایاموند ^۱ و سایر پژوهشگران حوزه ادبیات پژوهشی این موضوع شاخص عینی انتخابات از مهمترین شاخص‌های دموکراسی است و حذف آن در جریان سنجش دموکراسی به نتیجه کار خدشه وارد می‌کند و از قلم انداختن آن، ما را با مشکل فروتعریفی مواجه می‌نماید ولی یقیناً به کار بردن این شاخص به تنهایی نمی‌تواند به سنجش دموکراسی منجر شود. بنابراین باید به وسیله شاخص‌های دیگر حمایت شود.	کانون آزادی، پولیتی، الگوی پلیارشی دال، الگوی آوارز، چیباب، لیمونگی و پرزوسکی، بولن، گاسیروسکی، ونهانن، هادنیوس، آرات، ککیس، مولر، شاخص کوپچ و رینیک، الگوی دموکراسی- دیکتاتوری چیباب و همکارانش
مشارکت سیاسی	یکی از شاخص‌های اصلی مورد نظر دال ^۲ و پولانزاس ^۳ و سایر پژوهشگران حوزه ادبیات پژوهشی این موضوع مشارکت سیاسی از متغیرهای مهم و اساسی در سنجش دموکراسی است و حذف آن از فرآیند اندازه‌گیری ما را با مشکل فرو تعریفی رو به رو می‌کند، همان‌طور که نگارش‌های اولیه پولیتی و الگوی کوپچ و رینیک با این مساله دست به‌گریبانند. لذا در نظر گرفتن این شاخص در سنجش دموکراسی، ضروری به نظر می‌رسد.	الگوی پلیارشی دال، گاسیروسکی، ونهانن، آرات، ککیس و مولر

۱. در نظریه دایاموند، انتخابات به عنوان یکی از شاخص‌های دموکراسی ذکر شده است. او مطرح می‌کند که در دموکراسی، قدرت واقعی در دست کسانی است که مردم آنها را انتخاب کرده‌اند. او بر انتخابات منصفانه تأکید می‌ورزد و بر این باور است که نتایج یک انتخابات باید نامشخص باشد و امکان گردش نخبگان به صورت روان وجود داشته باشد. بنابراین، زمانی که نتیجه انتخابات از قبل تعیین می‌شود، بدین معناست که رقابتی در میان نیست. این امر گردش نخبگان را از بین می‌برد و در نتیجه، قدرت از میان عده‌ای معدود خارج نمی‌شود. این مساله باعث می‌شود که حتی انگیزه شهروندان برای مشارکت کاهش یابد (نانسی و هرسیج، ۱۳۸۴).

۲. دال برای شهروندان حقوق گسترده قائل است. به نظر دال، شهروندان با آگاهی بالا و وجود امکانات نهادی و حقوقی وسیع به طور گسترده می‌توانند بر تصمیمات سیاسی و اجتماعی تأثیرگذار باشند و این تأثیر واقعی است. او بر مشارکت فعال و مستقل شهروندان تأکید دارد که در این جهت شهروندان باید تأثیرگذاری وسیعی داشته باشند. به‌طور کلی دال، پیش فرض اصلی دموکراسی را برابری سیاسی شهروندان و مشارکت فعال آن‌ها به حساب می‌آورد (نانسی و هرسیج، ۱۳۸۴).

۳. پولانزاس نیز مانند دال برای مشارکت واقعی مردم، اهمیت زیادی قائل است و خواهان مشارکت فعال و مستقیم شهروندان در کلیه عرصه‌های اجتماعی با تأثیرگذاری بالاست. او بر این باور است که دولت باید به وسیله انتخابات عمومی و آزادی نامحدود مطبوعات و افکار و اندیشه‌ها مهار شود (نانسی و هرسیج، ۱۳۸۴).

ارائه الگویی نوین برای سنجش دموکراسی با توجه به انتقادات ...

در سایر الگوها بیشتر به حاکمیت مردمی پرداخته شده است تا حاکمیت قانون.	یکی از شاخص‌های اصلی مورد نظر دایاموند ^۲ و هایک ^۳ و سایر پژوهشگران حوزه ادبیات پژوهشی این موضوع	حاکمیت قانون ^۱
کانون آزادی، بولن، گاسبروسکی، هادنیوس، آرات، ککیس، مولر و کوپیچ و رینیک	یکی از شاخص‌های اصلی مورد نظر دایاموند ^۲ و پولانزاس ^۵ و سایر پژوهشگران حوزه ادبیات پژوهشی این موضوع	آزادی‌های سیاسی و مدنی

۱. حکومت قانون بدین معناست که تمامی مقامات دولتی، اعم از انتخابی و انتصابی، بر پایه قدرتی که قانون حد آن را مشخص و تعیین کرده است، موظف به رعایت قوانین و مقررات، به ویژه رعایت قانون اساسی در عملکردهای خود هستند. ریشه این اصل به نظرات ارسطو باز می‌گردد مبنی بر این که بهترین دولت، دولتی است که در آن «حکومت قانون» جاری باشد نه «حکومت افراد». بدون وجود حکومت قانون هیچ تضمینی برای حفظ حقوق فردی از سوی دولت وجود ندارد و مادامی که منبع قانون، قوه مقننه منتخب مردم و قانون اساسی باشد، رعایت آن از سوی دولت از الزامات حفظ دموکراسی است. به این ترتیب، هر گونه نادیده گرفتن مقررات و موازین قانونی ولو در جهت منافع مردم یا تحت فشار و خواسته مداوم مردم، مغایر با اصول دموکراسی است. در حاکمیت قانون، اختیارات و اعمال مسؤلیت نمایندگان و منتخبان سیاسی در چارچوب قوانین تعریف شده صورت می‌پذیرد. علاوه بر این، قانون تضمین‌کننده آزادی‌ها نیز هست. آزادی هنگامی شکوفا می‌شود که قدرت چنان توزیع شده و سازمان یافته باشد که اگر کسی در مقابل وسوسه سوء استفاده از آن قرار گیرد، خود را مواجه با محدودیت‌های قانونی ببیند. لازمه حمایت از آزادی، وجود نوعی برابری سیاسی در میان کلیه افراد بالغ است، نوعی توانایی قانوناً برابر برای حمایت از منافع خود در مقابل اعمال خود سرانۀ دولت یا همشهریان.

۲. دایاموند در نظریه دموکراسی خود، بر حاکمیت قانون تأکید می‌کند. به نظر او، در یک دموکراسی، قانون حاکم است. به عبارت دیگر، همه شهروندان در برابر قانون، یکسان و برابرند، دولت و گروه‌های سازمان یافته غیر دولتی در زندگی شهروندان دخالتی ندارد، تفکیک قوا وجود دارد و این قوای مستقل در جهت حمایت از قانون و آزادی‌ها عمل می‌کنند. در حاکمیت قانون، محدوده عمل هر یک از قوا تعیین شده است، به عبارت دیگر، قوه مقننه، مجریه و قضاییه محدودیت‌هایی دارند و باید در حیطه محدودۀ خود در جامعه عمل کنند. به علاوه، باید در مقابل قانون، پاسخگو و مسؤؤل باشند (نانسی و هرسیج، ۱۳۸۴).

۳. هایک در نظریه نئولیبرال خود، مطرح می‌کند که در دموکراسی باید همه چیز به وسیله حاکمیت قانون محدود شود. از نظر او، قانونگذاران باید در حاکمیت قانون محدود شوند. از نظر او، قانونگذاران نباید در حاکمیت قانون مداخله کنند زیرا چنین دخالتی عموماً به کاهش آزادی منجر می‌شود (نانسی و هرسیج، ۱۳۸۴).

۴. دایاموند در نظریه دموکراسی خویش، به مقوله آزادی‌های سیاسی و مدنی اشاره می‌کند و بر این باور است که در دموکراسی، حق بیان درخواست‌ها و تقاضاها برای همه گروه‌های اجتماعی، سیاسی و ... وجود دارد و شهروندان می‌توانند برای بیان درخواست‌هایشان از ابزارها و کانال‌های متعدد بهره‌گیرند. همچنین رسانه‌های گروهی مستقل و اطلاعات قوی، این امکان را برای شهروندان فراهم می‌کند. دایاموند عقیده دارد که یکی از مشخصه‌های دموکراسی، وجود آزادی‌های فردی و اجتماعی نظیر آزادی بیان، آزادی نشر و ... است.

۵. پولانزاس نیز بر مقوله آزادی سیاسی و مدنی تأکید می‌کند. به اعتقاد او بدون آزادی نامحدود مطبوعات و اجتماعات و بدون مبارزه آزادانه افکار و عقاید، زندگی در هر نهاد عمومی خواهد مرد. او برای گسترش دموکراسی، توسعه گروه‌های شغلی در محل کار و جنبش‌های اجتماعی مانند جنبش زنان و طرفداران محیط زیست را پیشنهاد می‌دهد و علی‌رغم هایک که با رشد اتحادیه‌های کارگری مخالف است، در جهت توسعه آن‌ها می‌کوشد (نانسی و هرسیج، ۱۳۸۴).

کانون آزادی و PACL	یکی از شاخص‌های اصلی مورد نظر پولانزاس ^۲ و لیپست ^۳ و سایر پژوهشگران حوزه ادبیات پژوهشی این موضوع	رفاه اقتصادی ^۱
--------------------	--	---------------------------

گام سوم، شامل فرآیند سنجش با ارزیابی نمرات هر یک از برگ‌های درخت مفهومی است یعنی ابعاد در پایین‌ترین سطح. به نظر مانک و ورکولین (۲۰۰۰)، انتخاب قواعد جمع نمره، به تعریف روشنی از این که کدام ابعاد، جمع شوند و به چه صورتی، نیاز دارد. قواعد جمع نمره، در پایین‌ترین سطح جمع نمره شروع می‌شود و به بالاترین سطح جمع نمره حرکت می‌کند. برای محاسبه نمره نهایی، محقق دو رویکرد را پیشنهاد می‌دهد که عبارتند از رویکرد داده محور و رویکرد کارشناس محور. در ادامه به توضیح هر یک از این رویکردها و شیوه محاسبه نمره نهایی بر اساس آن‌ها خواهیم پرداخت.

۳-۱. رویکرد داده محور

در این رویکرد، بر اساس بارهای عاملی حاصل از داده‌ها، نمره عاملی برای هر کشور محاسبه می‌شود. برای فهم این مطلب، بحثی پیرامون تحلیل عاملی ارائه می‌دهیم. کلاپین (۱۳۸۱) مطرح می‌کند که تحلیل عاملی متشکل از مجموعه‌ای از روش‌های آماری است که هدفش ساده کردن یک مجموعه پیچیده از داده‌هاست. در علوم اجتماعی، تحلیل عاملی در مورد همبستگی‌های بین متغیرها به کار می‌رود. همان‌طور که رویس^۴ (۱۹۶۳) نشان داده است، با وجود این که تعاریف بسیار متفاوتی از عامل وجود دارد اما همه آنها در پایه مشترک می‌باشند.

^۱. گرچه عده ای از صاحب‌نظران از جمله مانک و ورکولین (۲۰۰۰) بر این باورند که به کار بردن شاخص رفاه اقتصادی به منزله یکی از شاخص‌های دموکراسی توسط الگوی کانون آزادی، نمونه ای از فراتعریفی است، اما محقق با نظر باس (۲۰۰۵)، دال، پولانزاس و لیپست موافق است و رفاه اقتصادی، برابری و حقوق مالکیت را به عنوان ابعادی برای سنجش دموکراسی در نظر می‌گیرد.

^۲. پولانزاس برای ایجاد دموکراسی به توزیع مجدد ثروت، بهبود وضع اقتصاد. گرچه عده ای از صاحب‌نظران از جمله مانک و ورکولین (۲۰۰۰) بر این باورند که به کار بردن شاخص رفاه اقتصادی به منزله یکی از شاخص‌های دموکراسی توسط الگوی کانون آزادی، نمونه ای از فراتعریفی است، اما محقق با نظر باس (۲۰۰۵)، دال، پولانزاس و لیپست موافق است و رفاه اقتصادی، برابری و حقوق مالکیت را به عنوان ابعادی برای سنجش دموکراسی در نظر می‌گیرد.

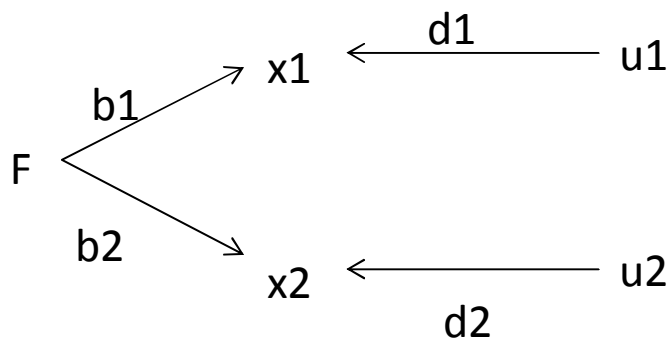
ادی مردم و گسترش نهادهای جمعی همچون شوراها در محل کار توجه نموده است و بر برابری سیاسی شهروندان (فرصت‌های برابر) و باز بودن نهادها برای امکان تغییر آن‌ها، تأکید فراوان دارد (نانسی و هرسچ، ۱۳۸۴).

^۳. لیپست نیز از نظریه پردازانی است که معتقد است میان رشد توسعه اقتصادی و افزایش رقابت سیاسی به عنوان یکی از ابعاد اصلی دموکراسی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. لیپست در زمینه دموکراسی و وضعیت اقتصادی، مطالعات گسترده ای انجام داده است.

اساساً یک عامل، بُعد یا سازه^۱ می‌باشد و بیان موجز و فشرده‌ای از روابط میان مجموعه‌ای از متغیرهاست. این گفته را رویس به‌طور دقیق‌تری بدین مضمون که یک عامل، سازه‌ای است که به‌طور عملیاتی به وسیلهٔ بارهای عاملی^۲ خود تعریف می‌شود، بازسازی کرده است. بارهای عاملی، همبستگی‌های یک متغیر با یک عامل است.

طراحی تحلیل عاملی که نخستین بار اسپیرمن (۱۹۰۴) آن را پی ریزی کرد، هدف اکتشاف موضوع و کشف سازه‌ها یا ابعاد عمدهٔ آن موضوع را در حوزهٔ توانایی‌های انسانی دنبال می‌کند. اسپیرمن کوشید به این پرسش پاسخ دهد که چرا توانایی‌های انسان به صورت همبستگی چندگانهٔ مثبت اشاره می‌شود (کلاین، ۱۳۸۱: ۷).

به باور آن کیم و مولرو (۱۳۸۱) تحلیل عاملی فرض می‌کند که متغیرهای مشاهده شده، ترکیب خطی از برخی متغیرهای (یا عامل‌های) منبع هستند یعنی در تحلیل عاملی، یک سیستم از عوامل اصلی و یک سیستم از متغیرهای مشاهده شده فرض می‌شوند. این دو سیستم، مشخصاً مرتبط بوده و کار تحلیل عاملی، بهره برداری از این ارتباط برای دستیابی به نتایج در مورد عوامل است. تحلیل عاملی به مجموعه‌ای از فنون آماری اشاره می‌کند که هدف مشترک آن‌ها ارائه دادن مجموعه‌ای متغیر بر حسب تعداد کمتری متغیر فرضی است. تجزیه و تحلیل عاملی بر مبنای این فرض اساسی استوار است که بعضی از عوامل اصلی که تعداد آن‌ها کمتر از تعداد متغیرهای مشاهده شده است، نسبت به کوواریانس بین متغیرهای مشاهده شده حساسند. نمونه‌ای ساده، مساله را روشن می‌کند.



شکل (۲): مدل مسیر برای یک مدل با دو متغیر و یک عامل مشترک

1. Construct
2. Factor Loading

در این وضعیت یک عامل اصلی مشترک نسبت به کوواریانس بین دو متغیرهای مشاهده شده، حساس است. چنین فرضی ممکن است در نمودارهای علی تحلیل مسیر به صورت زیر ارائه شود. شکل ۲ ایجاب می کند که x_1 برابر با مجموع وزنی F و u_1 و x_2 برابر مجموع وزنی F و u_2 باشد. چون F در x_1 و x_2 مشترک است، می توان آن را عامل مشترک نامید. به همین صورت چون u_1 و u_2 برای هر یک از متغیرهای مشاهده شده منحصر به فرد هستند، آن‌ها را می توان به صورت عوامل انحصاری در نظر گرفت. بیان جبری نمودار، متضمن برقراری دو معادله زیر است:

$$x_1 = b_1F + d_1u_1$$

$$x_2 = b_2F + d_2u_2$$

علاوه بر آن، نمودار تقریباً نشان می دهد که کوواریانس بین F و u_1 و بین F و u_2 یا بین u_1 و u_2 صفر است، یعنی:

$$\text{COV}(F, u_1) = \text{COV}(F, u_2) = \text{COV}(u_1, u_2) = 0$$

(منبع: ان کیم و مولرو، ۱۳۸۱: ۱۲)

وقتی همه متغیرها (متغیرهای فرضیه‌ای و مشاهده شده) استاندارد شوند تا واریانس یک داشته باشند، در این صورت، وزن‌های خطی b_1 و b_2 در شکل ۳ به‌عنوان ضرایب رگرسیون استاندارد شده (در تحلیل رگرسیون) و ضرایب مسیر (در تحلیل علی) و یا بارهای عاملی (در تحلیل عاملی) معرفی می شوند. چنانچه فقط یک عامل مشترک انفرادی وجود داشته و یا اگر چند عامل مشترک بر هم عمود باشند، بارهای عاملی معادل با همبستگی میان عامل‌ها و متغیرها خواهد بود. همبستگی میان دو متغیر مشاهده شده به وسیله ضرب دو بار عاملی مربوطه به دست می آید.

برای محاسبه نمره نهایی دموکراسی برای هر کشور لازم داریم که مقدار بارهای عاملی را مشخص کنیم. به دنبال آن، متغیرهای پنهان را ارزیابی می کنیم تا تأثیرات علی بنیادی را با پر رنگ کردن روابط متقابل سنج‌های صوری که ما واقعاً مشاهده می کنیم، نشان دهیم. ما می توانیم نمرات عاملی را برآورد کنیم. این برآوردها ممکن است کاملاً خوب باشد، اگر متغیرهای مشاهده شده قویاً مرتبط باشند.

تعدادی از روش‌های مختلف در تحلیل عاملی استاندارد پیشنهاد داده و بحث شده اند مانند گورساج^۱ (۱۹۸۳) و هارمن^۲ (۱۹۷۶). یکی از راه‌های ساده این است که نمرات با وزن یکسان در متغیرهای مشاهده شده که همبستگی بالایی با عامل دارند، با یکدیگر جمع شوند. به هر حال، روشی که عموماً استفاده شده، این است که تشخیص دهیم که در موقعیت پیش‌بینی قرار داریم و می‌خواهیم متغیر پنهان (عامل) را از مجموعه متغیرهای مشاهده شده پیش‌بینی کنیم. یکی از راه‌های پذیرفته شده پیش‌بینی یک متغیر خاص از یک مجموعه متغیر مرتبط، انجام رگرسیون چندگانه^۳ است.

لولین^۴ (۲۰۰۴) توضیح می‌دهد که رگرسیون چندگانه، برای مجموعه‌ای از وزن‌ها (که وزن‌های بتا نامیده می‌شود) به کار برده می‌شود تا متغیرهای مشاهده شده، متغیرهای ناشناخته را پیش‌بینی کنند. برای حل چنین وزن‌هایی نیاز است تا همبستگی‌های میان متغیرهای پیش‌بینی را بدانیم. ماتریس همبستگی میان پیش‌بینی‌ها (متغیرهای مشاهده شده) قابل دسترس است. این همان ماتریس همبستگی R است. همبستگی‌های متغیرهای مشاهده شده با یک عامل، یک ستون از ساختار عاملی ماتریس S است. بنابراین ما می‌توانیم وزن‌های بتا را برای برآورد یک عامل بیاوریم:

$$B = R^{-1}S \quad b = R^{-1}s$$

اما ما نیاز نداریم که با چنین پیچیدگی‌هایی، جزییات را اندازه بگیریم. هر متن استاندارد در مورد رگرسیون چندگانه، جزییات را فراهم خواهد کرد. فرمول محاسبه بارهای عاملی با توجه به رگرسیون چندگانه به شرح زیر است:

$$R_c^2 = 1 - (1 - R^2) (N+m)/(N-m)$$

R^2 در درون پرانتزها مجذور همبستگی چندگانه است. N حجم نمونه و m تعداد پیش‌بینی‌ها (متغیرهای مشاهده شده) است. مقدار تصحیح شده R_c^2 برآوردی است از مقدار وزن‌های محاسبه شده بتا در نمونه خاص که در جامعه پیش‌بینی می‌شود. اگر سنجش خوب است (یعنی همبستگی چندگانه حاصل بالا باشد) و اگر نسبت موضوعات برای متغیرها بزرگ باشد، نمی‌توان انحراف زیادی را در پیش‌بینی نمونه جدید انتظار داشت. برای نمونه، در یک مسأله

-
1. Gorsuch
 2. Harman
 3. Multiple Regression
 4. Loehlin

۶ متغیری با ۱۰۰ موضوع و ۰/۸۱ همبستگی چندگانه، R_c^2 برابر است با ۰/۷۸۶. بنابراین برای محاسبه نمره نهایی دموکراسی هر کشور ما نیاز داریم که در ابتدا با توجه به متغیرهای مشاهده شده، بارهای عاملی را محاسبه کنیم.

۳-۲. رویکرد کارشناس محور

در این رویکرد، با نظر کارشناسان و صاحب‌نظران در حوزه علوم سیاسی و دموکراسی می‌توان به هر یک از شاخص‌ها، امتیاز داد و همه مقادیر را با هم جمع کرد و مقیاس را تعریف نمود. به‌طور نمونه، می‌توان شاخص‌ها را امتیاز ۰/۲۵، ۰/۵، ۰/۷۵ و ۱ داد یا به هر صورت دیگر، طبق نظر کارشناسان نمره داد. در نهایت، نمرات مربوطه با هم یکدیگر جمع می‌شود. بنابراین، جمع نمره بر اساس قاعده جمع وزنی انجام می‌شود. در این رویکرد، کارشناسان وظیفه‌ای همچون بارهای عاملی را ایفا می‌کنند. شاخص‌های سنجش دموکراسی در الگوی نوین محقق وزن و امتیاز یکسانی ندارند. بنابراین با نظر کارشناسان، وزن هر یک از شاخص‌ها مشخص می‌گردد. پس از آن که وزن شاخص‌ها تعیین گردید (مانند وقتی که بارهای عاملی محاسبه شد)، به همان صورت رویکرد داده محور عمل می‌کنیم. بدین معنا که ابتدا نمره ابعاد و سپس شاخص‌ها را مشخص می‌نماییم و در نهایت، نمره نهایی دموکراسی برای هر کشور محاسبه می‌شود.

قواعد کدگذاری و جمع نمره، از دیگر مسائلی است که در بسیاری از الگوهای سنجش دموکراسی با نقطه ضعف همراه است. محقق در این گام، طیف لیکرت را پیشنهاد می‌دهد و جمع نمره را از طریق مجموع وزنی البته با توجه به وزنی که هر متغیر بر اساس بارهای عاملی می‌گیرد، انجام می‌دهد. برای شفاف‌سازی این مطلب در ادامه مثالی عنوان می‌شود.

درصدی که نمره دموکراسی را برای کشور فرضی A محاسبه کنیم. در گام اول، نمراتی را که این کشور در هر یک از گویه‌های هر بعد از شاخص‌ها آورده است، در نظر می‌گیریم. به‌طور فرضی، نمرات ابعاد شاخص انتخابات برای این کشور آمده است. فرض می‌کنیم که کشور فرضی A در بُعد EL1، نمره ۳، در بُعد EL2، نمره ۱ و در بُعد EL3، نمره ۲ را کسب کرده است.

ارائه الگویی نوین برای سنجش دموکراسی با توجه به انتقادات ...

جدول (۵): مثال برای شاخص انتخابات

کدگذاری در طیف لیکرت					ابعاد	شاخص
بسیار خوب	خوب	متوسط	ضعیف	بسیار ضعیف		
۵	۴	۳	۲	۱	EL1	EL
۵	۴	۳	۲	۱	EL2	
۵	۴	۳	۲	۱	EL3	

$$EL = EL1\lambda + EL2\lambda + EL3\lambda$$

به همین ترتیب، نمره سایر ابعاد و شاخص‌ها نیز محاسبه می‌شود. در نهایت، نمرات پنج شاخص مطرح شده توسط محقق در کشور فرضی A را در اختیار داریم. به عنوان نمونه، نمرات برای این کشور به شرح زیرند: انتخابات برابر ۲، مشارکت برابر ۳، آزادی‌ها برابر ۱، حاکمیت قانون برابر ۱ و رفاه اقتصادی برابر ۳. با استفاده از مجموع وزنی، نمره دموکراسی به دست می‌آید.

$$DEM = EL + PAR\lambda + FRE\lambda + LAW\lambda + WEL\lambda$$

نتیجه‌گیری

مفهوم دموکراسی، یکی از مباحث مهم و زیربنایی در سیاست تطبیقی و روابط بین‌الملل است که در علوم سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی به آن پرداخته شده است. دموکراسی که مفهومی کلیدی در تفکر سیاسی مدرن و علوم اجتماعی است، مساله‌ای مهم و مرکزی است که دانشمندان با استفاده از روش‌های کمی و کیفی به مطالعه آن اقدام کرده‌اند. با این که سال‌هاست که در زمینه دموکراسی سخن بسیار گفته شده است ولی در زمینه سنجش آن، اقدام چندانی صورت نگرفته است. در سال‌های اخیر، مطالعاتی تجربی در این زمینه تلاش کرده‌اند تا متغیر پنهان دموکراسی را عملیاتی سازند و شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی را برای آن تعریف نمایند.

هدف این مقاله، ارزیابی نظری و روشی الگوهای موجود سنجش دموکراسی و نیز ارائه الگویی نوین بود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که الگوهای سنجش دموکراسی از شاخص‌هایی ذهنی و عینی استفاده می‌کنند که نسبت به هر کدام از آن‌ها دیدگاه‌هایی مثبت و منفی وجود دارد. شاخص‌های ذهنی دموکراسی، اغلب در دوران اولیه گسترش علم سیاست نوین به کار گرفته می‌شدند که شامل برخی ویژگی‌های کلی (مثل آزادی مطبوعات، اهمیت پارلمان، رابطه قوا) می‌شدند. از اواسط قرن بیستم به بعد، تأکید بیشتری بر شاخص‌های عینی

مانند میزان شرکت مردم در انتخابات، میزان رقابت ایدئولوژیک، ترکیب حزبی پارلمان، میزان انتخابی بودن حکام سیاسی گذاشته شد و بر اساس استفاده از انتخابات و حمایت مردمی شامل مشارکت، رقابت، حاکمیت عوام و دسترسی به اطلاعات شکل گرفت. در این مقاله، به ارزیابی شاخص‌هایی مانند انتخابات، مشارکت سیاسی، حاکمیت عوام و آزادی بیان و ارائه دیدگاه‌های مثبت و منفی نسبت به آن‌ها پرداخته شده است.

همچنین در این مطالعه تلاش شد تا به ارزیابی روشی الگوهای موجود سنجش دموکراسی پرداخته شود. لذا نقاط قوت و ضعف هر یک از الگوهای موجود سنجش دموکراسی به لحاظ روشی مطرح شدند. از جمله نقاط قوت برخی از الگوها می‌توان به قواعد کدگذاری واضح و قلمرو تجربی جامع اشاره کرد. از سوی دیگر، در تعدادی از الگوها، مشکلات بدتعریفی، فراتعریفی و فرو تعریفی وجود دارد. با طی این دو گام و ساخت چارچوب سنجش، سعی شد تا الگوی نوینی برای سنجش دموکراسی ارائه شود. به‌طور کلی، می‌توان الگوی نوین محققان را چنین معرفی نمود. این الگو بر مبنای چارچوب نظری، ادبیات تحقیق، مدل‌های چهارگانه دیوید هلد و انتقادات نظری و روشی وارد بر شاخص‌های عینی و ذهنی الگوهای موجود تدوین یافته است. در این الگو، پنج شاخص برای سنجش متغیر پنهان دموکراسی در نظر گرفته شده است. این شاخص‌ها شامل انتخابات، مشارکت سیاسی، آزادی‌های سیاسی و مدنی، حاکمیت قانون و رفاه اقتصادی می‌شود. هر یک از این شاخص‌ها خود دارای ابعادی هستند و با تعدادی گویه سنجیده می‌شوند. تقسیم‌بندی جوامع بر مبنای نمره حاصل از شاخص‌ها و بر روی طیف دموکراسی انجام می‌گردد. برای محاسبه نمره نهایی، محققان دو رویکرد را پیشنهاد می‌دهند که عبارتند از رویکرد داده محور و رویکرد کارشناس محور. در رویکرد داده محور، در این رویکرد، براساس بارهای عاملی حاصل از داده‌ها، نمره عاملی برای هر کشور محاسبه می‌شود. در رویکرد کارشناس محور، با نظر کارشناسان و صاحب‌نظران در حوزه علوم سیاسی و دموکراسی می‌توان به هر یک از شاخص‌ها، امتیاز داد و همه مقادیر را با هم جمع کرد و مقیاس را تعریف نمود. کدگذاری نمرات بر اساس طیف لیکرت و جمع نمره بر مبنای قاعده مجموع وزنی صورت می‌گیرد.

برای رسیدن به اعتبار، مراحل اعتبار سازه و صوری تا حد امکان طی شده است و راه‌های افزایش قابلیت اعتماد و پایین آوردن خطای اندازه‌گیری با توجه به اطلاعات آماری و روشی پیموده شده است. به‌طور یقین اطمینان از میزان دقیق قابلیت اعتماد و خطای اندازه‌گیری،

ترسیم مدل معادله ساختاری و محاسبه شاخص‌های برازش، پس از انجام آزمون تجربی مدل، امکانپذیر خواهد بود. این امر در حیطة اهداف مقاله حاضر نیست، بنابراین آزمون تجربی الگوی نوین و بررسی و ارزیابی روشی آن در مطالعات بعدی و گام‌های پیش روی محققان پیموده خواهد شد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ان کیم، جی و مولر، چارلز (۱۳۸۱). مقدمه‌ای بر تحلیل عاملی و شیوه به کارگیری آن، ترجمه صادق بختیاری و هوشنگ طالبی، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- برندگی، بدری (۱۳۸۹). ارائه الگویی نوین برای سنجش دموکراسی با توجه به انتقادات وارد بر الگوهای موجود، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰). درس‌های دموکراسی برای همه، تهران: نشر موسسه پژوهشی نگاه معاصر.
- تافلر، الوین (۱۳۷۰). موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، چاپ پنجم، تهران: نشر نو.
- توحید فام، محمد (۱۳۸۱). دولت و دموکراسی در عصر جهانی شدن (سیری در اندیشه‌های سیاسی معاصر غرب)، تهران: انتشارات روزنه.
- دال، رابرت (۱۳۷۸). درباره دموکراسی، ترجمه حسن فشارکی، چاپ اول، تهران: انتشارات شیرازه.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۸۲). «آزادی بیان»، بازتاب اندیشه، شماره ۳۷، صص ۱۹-۷.
- شهبازی، محبوب (۱۳۸۰). تقدیر مردم سالاری (نقش انتخابات در روند دموکراسی ایران)، چاپ اول، تهران: انتشارات روزنه.
- شومپیتر، جوزف (۱۳۵۴). کاپیتالیزم، سوسیالیسم و دموکراسی، ترجمه حسن منصور، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قاسمی، وحید (۱۳۸۹). مدل‌سازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد Amos Graphics، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- کلاین، پاول (۱۳۸۱). راهنمای آسان تحلیل عاملی، ترجمه محمدولی علیئی و سیدمحمد میرسندسی، چاپ اول، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
- کوهن، کارل (۱۳۷۳). دموکراسی، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات خوارزمی.
- نانسی، نصرالدین و حسین هرسیج (۱۳۸۴). پوپر و دموکراسی، چاپ اول، اصفهان: انتشارات مهر قائم.

نلسون، جان ام (۱۳۷۹). **مشارکت سیاسی**، مطرح شده در درک توسعه سیاسی، ترجمه ی پژوهشکده ی مطالعات راهبردی، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده ی مطالعات راهبردی.
هلد، دیوید (۱۳۶۹). **مدل های دموکراسی**، ترجمه عباس مخبر، چاپ اول، تهران: انتشارات روشنفکران، تهران.

ب) منابع انگلیسی

- Arat, Zehra, F. (1999). "Prospects of Democracy: a Study of 172 Countries", the **American Political Science Review**, 93(3), 740-741.
- Bass, Jeffrey. (2005). "Measures of Democracy", in **Encyclopedia of Social Measurement**, Volume 1, Elsevier.
- Boix, Carles and Susan C. Stokes (2003). "Endogenous Democratization", **World Politics**, Vol. 55, No. 4, Academic Research Library, 517- 550.
- Bollen, Kenneth A. (1989). **Structural Equations with Latent Variables**, New York: Wiley.
- Bollen, Kenneth A. (1990). "Political Democracy: Conceptual and Measurement traps". **Studies in Comparative International Development**, 25: 7-24.
- Bollen, Kenneth A. (1993). "Subjective Measures of Liberal Democracy", **American Journal of Political Science**, 33(1), 58-86.
- Bollen, Kenneth Alan (2009). "Liberal Democracy Series I, 1972-1988: Definition, Measurement and Trajectories", **Electoral Studies**, 28: 368-374.
- Brintall, Michael A (2001): "Democracy and Development", **Perspectives on Political Science**, Vol. 30, No. 2, Academic Research Library.
- Cheibub, Jose Antonio, Jennifer Gandhi & James Raymond Vreeland (2010). "Democracy and Dictatorship revisited", **Public Choice**, 143, 67-101.
- Chowdhury, Shyamal. K. (2004). The Effect of Democracy and Press Freedom on Corruption: an Empirical Test", **Economics Letters** 85: 93-101.
- El Badawi. Ibrahim, Samir Makdisi (2007). "Explaining the Democracy Deficit in the Arab World", **the Quarterly Review of Economics and Finance**, 46: 813-831.
- Freedom House, (2007). Freedom in the World: The Annual Survey of Political Rights and Civil Liberties. In www.freedomhouse.org.
- Guttman, Louis (1994). "A Basis for Scaling Qualitative Data", **American Sociological Review**, 9: 139-150.
- Hadenius, Axel & Jan Teorell (2007). "Pathways from Authoritarianism", **Journal of Democracy**, 18 (1): 143-156.
- Hochstetler, Kathryn (2008). "Presidentialism, Parliamentarism and Democracy", **Latin American Politics and Society**, 50 (3): 163-180
- Kekic, Laza (2007). **The Economist Intelligence Unit's index of Democracy**, Country Forecasting Services.

- Loehlin, John C. (2004). **Latent Variable Models: An Introduction to Factor Path and Structural Equation Analysis**, Lawrence Erlbaum Associates Publishers, Mahwah, New Jersey, Fourth Edition.
- Marshall, Monty G., Ted Robert Gurr, Christian Davenport, Keith Jagers (2002). "Polity IV, 1800-1999, Comments on Munck and Verkuilen", **Comparative Political Studies**, 35 (1), 40- 45.
- Muller, Edward N. (1988). "Democracy, Economic Development and Income Inequality", **American Sociological Review**, 53: 50- 63.
- Munck, Gerardo, L. & Jay Verkuilen (2000). **Measuring democracy, Evaluating Alternative Indices**, American Political Science Association.
- Pemstein, Daniel, Stephen Meserve & James Melton. (2008). Democratic Compromise: A Latent Variable Analysis of Ten Measures of Regime Type. www.clinecenter.uiuc.edu.
- Przeworski, Adam & Fernando Limongi (1993). "Political Regimes and Economic Growth", **the Journal of Economic Perspectives (1986- 1998)**. Vol. 7, No. 3, ABI/ Inform global, 51-69.
- Schaeffer, Robert. K. (1998). "Democracy's Victory and Crisis", **Contemporary Sociology**, 27 (6): 642- 643.
- Schumpeter, J.A. (1943). **Capitalism, Socialism and Democracy**, London, Allen & Unwin.
- Shandra, John, M., Jenna Nobles, Bruce London, John B Williamson, (2004). "Dependency, Democracy and Infant Mortality: a Quantitative, Cross- national Analysis of Less Developed Countries", **Social Science & Medicine**, 59: 321- 333.
- Vanhanen, Tatu (2000). "A New Dataset for Measuring Democracy 1810- 1998" , **Journal of Peace Research**, 37(2): 251-265.
- Vreeland, James Raymond (2008). "The Effect of Political Regime on Civil War: Unpacking Anocracy", **Journal of Conflict Resolution**, 52 (3): 401-425.
- Weaver, R. Kent (1994). "Comparative Politics: Democracy and Development by Axel Hadenius", **the American Political Science Review**, 88(3): 778-779.

